

٥١٠

02 ARA 2006

MADDE YAYINLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

الدارابي*

(حدود ١٠٠٥ - حدود ١١٣٠ هـ)

محمد بن محمد الاصطهباناتي الدارابي الشيرازي، المدعو بشاه محمد، العالم الإمامي، الحكيم، المتكلم، المحدث.

ولد في اصطهبانات^(١) حدود سنة خمس وألف (حسب تقديرنا). وسكن شيراز.

تلمذ لعلماء عصره، وروى عن الفقيه المحدث علي بن سليمان بن الحسن القديمي البحراني (المتوفى ١٠٦٤ هـ).

وتقدم في عدة علوم لاسيما العقلية منها.

وزاول التدريس والتأليف، ونظم الشعر بالفارسية متخلصاً فيه بكلمة

* رياض العلماء ٥/ ٢٧٤- ٢٧٥ (ضمن ترجمة القاضي نور الله المرعشي)، تذكرة المعاصرين للحزين ١١١، نجوم السماء ١٩١ برقم ٨ (مؤسسة انتشارات أميركبير - طهران، ١٤٢٤ هـ)، أعيان الشيعة ٩/ ٤٠٦، طبقات أعلام الشيعة ٦/ ٣٣٠، الذريعة ١٦/ ٢٢٩ برقم ٨٩٧، ٢٠/ ٢٣٣ برقم ٤٧٧٦، دانشمندان و سخن سرايان فارس ٣/ ٢٢٩، معجم التراث الكلامي ٢/ ١٩٨ برقم ٣٣٨٤ و ٣٠١ برقم ٣٨٧٦، ٣/ ١٤٩ برقم ٥٤٣٤.

١. صرح بمولده في اصطهبانات تلميذه محمد مؤمن الجزائري، ولذا لقبه بالاصطهباناتي. انظر نجوم السماء.

(عارف).

وارتحل إلى الهند سنة (١١٠٠ هـ)^(١)، فأقام بها سنوات.

وعاد إلى إيران، فورد أصفهان سنة (١١١٤ هـ)^(٢)، ثم استقر في شيراز فعكف على التدريس والإفادة حتى ذاع صيته في مجال نشر العلوم والمعارف، واستفاد منه أكثر فضلاء شيراز.

ذكره تلميذه محمد مؤمن بن محمد قاسم الجزائري الشيرازي في «طيف الخيال» و أثنى عليه غاية الثناء، وقال في وصفه: عمدة المحدثين وزبدة المحققين، فخر المتكلمين والحكام المتأهين.

كما تلمذ عليه: محمد علي بن أبي طالب اللاهيجي الحزين، ومحمدتقي بن شاه وردي البغدادي، والشهيد محمدعلي بن محمد أمين السكاكي الشيرازي، والسيد علي بن علاء الدولة بن نور الله المرعشي التستري، والسيد قطب الدين محمد النيريزي الشيرازي المعروف بالذهبي (المتوفى ١١٧٣ هـ)، وآخرون.

ووضع مؤلفات، منها: تحفة المؤمنين (خ) بالفارسية في أصول الدين الخمسة بالأدلة العقلية والنقلية، حلّ العقائد (خ) في ترجمة وشرح كتاب «التوحيد» للشيخ الصدوق، تفسير آية الكرسي (خ) بالفارسية، رياض

١. انظر طبقات أعلام الشيعة ٦/ ٥٥٢، ترجمة علي بن علاء الدولة المرعشي. وقال الأستاذ حسين درگاهي في مقدمته لـ «رياض العارفين» إن المترجم له ذهب إلى الهند سنة (١٠٦٢ هـ) وأقام في بندر سورت، وتشرف بزيارة الرضا عليه السلام سنة (١٠٦٦ هـ)، وعاد إلى الهند. أقول: إذا صح ذلك فلعله زار الهند أكثر من مرة واحدة.

٢. قال ذلك المترجم له نفسه في مقدمته «رياض العارفين».

elements in folktales, ballads, myths, fables, mediaeval romances, exempla, fabliaux, jest-books, and local legends
Bloomington 1955-1958.

/ محمود امیدسالار /

دارابی، سیدجعفر ← کشفی

دارابی، محمدبن محمد، عارف و شاعر و تذکره‌نویس قرن یازدهم و دوازدهم. سال تولد او مشخص نیست، اما گفته شده که وی عمری طولانی و قریب به ۱۳۰ سال داشته است (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۹، قسم ۲، ص ۶۶۵) و بنابه گزارش فسائی (ج ۲، ص ۱۲۵۹-۱۲۶۰) در حدود ۱۱۴۰ در اصطهبانات (استهبان) وفات یافته است (قس آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۹، قسم ۲، ص ۶۶۵-۶۶۶، که وفات وی را حدود ۱۱۳۰ و در شیراز دانسته است). او را ملاشاه محمد و با شهرت اصطهباناتی، دارابی، دارابجردی و شیرازی خوانده‌اند (← نصرآبادی، ص ۲۷۰؛ افندی اصفهانی، ج ۵، ص ۲۷۴-۲۷۵؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ص ۳۳۰-۳۳۱). اما آقابزرگ طهرانی (۱۳۷۲، ص ۳۳۱-۳۳۲) شاه‌محمد دارابی اصطهباناتی را غیر از شاه‌محمد دارابجردی، که در هند شهید شده، دانسته و استناد او دربارهٔ شهادت دارابجردی در هند به گزارش صبح گلشن صدیق حسن‌خان است. در عین حال وی با تردید در گزارش صدیق حسن‌خان دربارهٔ شهادت ملاشاه محمد دارابجردی در هند (← ص ۲۲۰)، احتمال یکی دانستن این دو را جایز می‌داند.

دارابی ظاهراً در حلقهٔ ادبی محمد مسیح، متخصص به معنی، در شیراز شرکت می‌کرده (← امداد، ص ۴۴-۴۵) و با توجه به آنچه خود در تذکرهٔ لطایف الخیال نوشته، در جوانی شاگرد شیخ بهائی بوده است (← گلچین معانی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۸۵۱). این احتمال هم مطرح شده که وی شاگرد ملاصدرا (متوفی ۱۰۵۰) بوده و به واسطهٔ او، از شاگردان شیخ بهائی به‌شمار آمده است (← صدوقی‌سها، ص ۱۱۹-۱۲۰؛ نیز ← امین‌الشریعه خوبی، ج ۱، مقدمهٔ خواجوی، ص بیست‌ودو).

دارابی فقه و حدیث و حکمت درس می‌داده است و حزین لاهیجی* (متوفی ۱۱۸۰ یا ۱۱۸۱)، محمد مؤمن جزائری (متوفی ۱۱۳۰) و قطب‌الدین نیریزی* (متوفی ۱۱۷۳) از شاگردان وی بوده و از او به بزرگی یاد کرده‌اند (← حزین لاهیجی، ۱۳۷۵، ص ۱۱۱-۱۱۲؛ دارابی، مقدمهٔ تبریزی، ص ب-ج؛ آزاد کشمیری، ص ۱۷۲-۱۷۴). از حاشیهٔ نسخه‌ای از لطایف الخیال (موجود در کتابخانهٔ ملک، ش ۴۳۲۵) به نوشتهٔ خود دارابی، می‌توان به جنبه‌هایی از زندگی و احوال او پی برد؛

از جمله اینکه او در ۱۰۶۲ به هند رفته و بین سالهای ۱۰۷۶ و ۱۰۷۸ مشغول تألیف لطایف الخیال بوده است. وی در همین ایام به مکه و عتبات عراق و نواحی گوناگون ایران، از جمله شوشتر و مشهد و اصفهان، سفر کرده و در تاریخی نامعلوم به هند بازگشته، اما در اواخر عمر به ایران آمده و در اصطهبانات یا شیراز از دنیا رفته است (← نقوی، ص ۲۰۲-۲۰۵؛ گلچین معانی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۸۷-۹۰؛ همو، ۱۳۶۹، ش، همانجا).

برخی از آثار دارابی عبارت‌اند از: ۱) تذکرهٔ لطایف الخیال، در شرح حال شاعران قدیم و هم‌روزگار مؤلف از حافظ تا حسین قدسی کربلایی که به ترتیب محل سکونت یا زادگاه سراینندگان تدوین شده است. این اثر از حیث گزارش احوال شاعران و معاصران دارابی، منبعی ارزشمند و مهم است (← گلچین معانی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۸۷-۹۹؛ نقوی، ص ۲۰۲-۲۰۹؛ منزوی، ج ۱۱، ص ۷۴۰؛ افشار و دانش‌پژوه، ج ۴، ص ۷۰۶). ۲) معراج‌الکمال، در شرح اصطلاحات شیخ و ارشاد و مرید و استرشاد. ۳) ریاض‌الروضه‌العارفین، در شرح صحیفهٔ سجادیه (آقابزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ص ۳۳۱؛ همو، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۳۳۰). ۴) رساله‌ای در باب عالم مثال، که در آن گفته است عالم مثال از طریق دلایل اثبات‌شدنی نیست، بلکه از طریق کتاب و سنت و مکاشفه به اثبات می‌رسد (همو، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۹۶-۹۷). ۵) رساله‌ای در مصطلحات موسیقی و آرای دانشمندان اسلامی دربارهٔ غنا، با عنوان مقامات السالکین (← دانش‌پژوه، ص ۱۶۷). ۶) لطیفهٔ غیبی، در شرح اشعار مشکل دیوان حافظ به همراه توضیح برخی اصطلاحات اهل تصوف و عرفان که در ۱۳۵۷ ش در شیراز با همین عنوان چاپ شده است. دارابی دیوان شعر هم داشته و در اشعارش، «شاه» و «عارف» تخلص می‌کرده است؛ از این رو، تذکره‌نویسان شرح حال او را ذیل دو عنوان ذکر کرده‌اند (← حزین لاهیجی، ۱۳۷۵، ش، ص ۱۱۲؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۹، قسم ۳، ص ۹۹۶-۹۹۷؛ گلچین معانی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۸۵۲).

منابع: محمدعلی بن صادق آزاد کشمیری، کتاب نجوم‌السماء فی تراجم‌العلماء، قم [۱۳۹۴]؛ محمدحسین آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/ ۱۹۸۳؛ همو، طبقات اعلام‌الشیعة: الکواکب‌المنشورة فی القرن‌الثانی بعد‌العشرة، چاپ علی‌نقی منزوی، تهران ۱۳۷۲ ش؛ ایرج افشار و محمدنقی دانش‌پژوه، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ ملی ملک، ج ۴، تهران ۱۳۶۴ ش؛ عبدالله بن عیسی افندی اصفهانی، ریاض‌العماء و حیاض‌الفضلاء، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۱-؛ حسن امداد، انجمن‌های ادبی شیراز: از اواخر قرن دهم تا به امروز، [تهران] ۱۳۷۲ ش؛ ابوالقاسم امین‌الشریعه خوبی، میزان‌الصواب در شرح فصل‌الخطاب سیدقطب‌الدین محمد نیریزی قدس‌سره، چاپ محمد خواجوی،